

## تجلی صبر در تفاسیر عرفانی

محمد همدانی\*

### چکیده

بنیادین‌ترین مفاهیم اخلاقی و سلوکی در آموزه‌های اسلامی است که نقشی حیاتی در تکامل معنوی انسان ایفا می‌کند. این مفهوم، نه تنها در سطوح شریعت و کلام، بلکه در اعماق تعالیم عرفانی نیز جایگاهی رفیع دارد و به عنوان یکی از مقامات مهم در طریق *إلی الله* شناخته می‌شود.

مقاله حاضر با هدف بررسی جامع مفهوم صبر از منظر تفاسیر عرفانی، همچون تفسیر *ابن عربی*، *مخزن العرفان* در تفسیر قرآن، *روح البیان*، *بیان السعاده*، *لطایف الاشارات* و *کشف الاسرار* و تطبیق و بیان تمایز آنها نوشته شده و پرسش اصلی پژوهش این است که: «مفسران عرفانی، مفهوم صبر را چگونه تبیین، دسته‌بندی و در مصادیق قرآنی تفسیر کرده‌اند و رویکرد آنها چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد؟».

اهمیت این پژوهش در روشن ساختن ابعاد پنهان و عمیق‌تر صبر، فراتر از معنای لغوی و ظاهری آن، و ارائه تصویری کامل‌تر از جایگاه این فضیلت در سلوک عرفانی است. این پژوهش بر آن است تا خلأ تحقیقاتی که صرفاً بر جنبه‌های باطنی و سلوکی (عرفانی) مفهوم صبر تمرکز می‌کنند را پر کرده، با روشن ساختن ابعاد پنهان و عمیق‌تر صبر، فراتر از معنای لغوی و ظاهری آن، و ارائه تصویری کامل‌تر از جایگاه این فضیلت در سلوک عرفانی، خود را از مطالعات صرفاً اخلاقی یا فقهی متمایز ساخته، خلأ رویکرد باطنی و معرفتی را پر کند.

مقاله حاضر با «دسته‌بندی موضوعی صبر در تفاسیر عرفانی» به عنوان «گامی نو در جهت درک عمیق‌تر این مفهوم در ادبیات عرفانی»، خلأ تحلیل و ساماندهی

\* دانش‌پژوه سطح ۴ اخلاق عرفانی، مرکز تخصصی دارالهدی قم: [alifatemeh888@gmail.com](mailto:alifatemeh888@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵.





داده‌های پراکنده در این حوزه را نیز برطرف می‌سازد.

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع اصیل تفاسیر عرفانی، به مفهوم‌شناسی، اقسام، مراتب و آداب صبر پرداخته و سپس با بررسی آیات متعدد قرآن کریم، دیدگاه آن تفاسیر را در مصادیق صبر واکاوی می‌کند.

نتایج نشان می‌دهد که تفاسیر عرفانی، صبر را نه فقط یک حالت موقت، بلکه یک مقام پایدار و لازمه اصلی رسیدن به کمال می‌دانند. این تفاسیر با تأکید بر جنبه‌های باطنی و سلوکی، تبیینی متفاوت از صبر ارائه می‌دهند که با رویکردهای اخلاقی و کلامی صرف، نیز متمایز است.

کلیدواژه‌ها: صبر، تفاسیر عرفانی، قرآن، سلوک، عرفان اسلامی.

### مقدمه

مفهوم صبر، از ژرف‌ترین آموزه‌های دینی و اخلاقی تمام ادیان الهی است. قرآن کریم بیش از هفتاد بار و در ۴۵ سوره به این مفهوم اشاره کرده، در آیات متعدد، مؤمنان را به پایداری، بردباری و استقامت در مسیر حق فرامی‌خواند. در میان مکاتب فکری اسلامی، «عرفان» به دلیل رویکرد باطنی و تأکید بر سیر و سلوک درونی، ابعاد جدیدی به مفهوم صبر بخشیده است. عرفا صبر را نه فقط یک عمل ظاهری، بلکه «مقام» یا «حالی» می‌دانند که سالک را در گذر از مراحل طریقت یاری می‌رساند و او را به قرب الهی نزدیک‌تر می‌سازد. از این رو بررسی صبر از منظر تفاسیر عرفانی، دریچه‌ای نو به درک عمیق‌تر آموزه‌های قرآنی و غنای میراث اسلامی می‌گشاید و اهمیت آن در راهنمایی جویندگان حقیقت و سلوک معنوی آشکار می‌گردد.

با وجود فراوانی پژوهش‌ها درباره مفهوم صبر در اسلام، تبیین جامع و دسته‌بندی شده از دیدگاه تفاسیر عرفانی، به ویژه با تأکید بر مصادیق قرآنی آن، هم‌چنان نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر است. بسیاری از مطالعات، به کلیات صبر پرداخته، یا به یک تفسیر خاص محدود شده‌اند؛ حال آن‌که رویکرد مفسران عرفانی در رویارویی با آیات صبر، سرشار از نکات ظریف و تأویلات عمیقی است که کمتر به صورت منسجم واکاوی شده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا به سؤالات اصلی زیر پاسخ دهد:

- مفسران عرفانی، مفهوم صبر را چگونه تعریف و تبیین کرده‌اند و چه اقسام و مراتبی برای آن قائل شده‌اند؟

- مصادیق قرآنی صبر، از دیدگاه مفسران عرفانی چگونه تأویل و تشریح شده‌اند؟

### ضرورت و اهداف تحقیق

ضرورت این پژوهش از آن روست که درک صحیح و عمیق از مفهوم «صبر» در بستر عرفان اسلامی، نه تنها به غنای مباحث نظری و افزایش بصیرت علمی کمک می‌کند، بلکه راهنمایی عملی برای سالکان و رهجویان طریق حق فراهم می‌آورد. این تحقیق با تبیین رویکرد عرفانی، از تقلیل معنای صبر به «تحمّل مشقات ظاهری» جلوگیری کرده، ابعاد معنوی و تحولی آن را برجسته می‌سازد. هدف اصلی این مقاله، ارائه مفهوم، مصادیق و مراتب صبر در تفاسیر عرفانی است تا ضمن پر کردن خلأ پژوهشی موجود، به درک غنی‌تر و کاربردی‌تر این فضیلت الهی یاری رساند.

### پیشینه و روش تحقیق

پژوهش‌های بسیاری در موضوع صبر در اسلام صورت گرفته است. برخی از این تحقیقات به بررسی صبر در قرآن و حدیث، یا ابعاد روان‌شناختی آن پرداخته‌اند. در حوزه عرفان نیز آثاری وجود دارد که به مفهوم صبر، به اجمال یا در ذیل مباحث گسترده‌تر عرفانی اشاره کرده‌اند؛ اما کمتر به تأویل تفسیری آیات از سوی عرفا توجه شده است. از این رو تحقیقی منسجم که به تبیین اقسام، مراتب و مصادیق قرآنی صبر در مجموعه‌ای از تفاسیر عرفانی بپردازد و تفاوت‌های رویکردی را روشن سازد، کمتر دیده می‌شود. پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

### ساختار مقاله

مقاله حاضر در ۸ بخش اصلی تنظیم شده و به مفهوم‌شناسی صبر، اقسام، مراتب و مقام صبر از دیدگاه عرفا پرداخته است.

### مفهوم‌شناسی صبر

راغب درباره صبر یا شکیبایی می‌گوید: «جلوگیری از نفس طبق اقتضای عقل و شرع، صبر است و صبر، لفظ عامی است که به تناسب، اسم‌هایی گوناگون به خود می‌گیرد؛ مانند خودداری در گفتن که آن را کتمان گویند». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۴)





با همین تعابیر در کتاب العین آمده است که صبر خویشتن داری از اظهار جزع [یا شکایت] یا خویشتن داری به خاطر خدا در موارد ناپسند است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۵/۷)

عرفا نیز با استناد به آیات و روایات، تعاریف گوناگونی از صبر ارائه کرده‌اند که در ادامه به برخی از این تعابیر اشاره می‌نماییم:

۱. نگه داشتن نفس از شکایت به غیر خدا؛

۲. بازداشتن نفس از مکروهات و مناهی؛

۳. انتظار گشایش کار از خدا؛

۴. «صبر بر صبر» نه انتظار گشایش؛ یعنی در بلا صابر بودن و بلا را ندیدن و در صبر صابر بودن و صبر را ندیدن. (میرسلیم، ۱۳۷۵: ۷۲۵/۱)

### اقسام و مراتب صبر

برای مفهوم صبر نیز تقسیم‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد: برخی صبر را به بدنی و نفسانی تقسیم کرده‌اند. (همو) به نظر نگارنده، اینها تقسیمات نفس نیست؛ زیرا صبر تنها حالتی نفسانی است که مصادیقی از جمله آسیب‌های جسمانی دارد و البته مراتبی نیز دارد.

تقسیم‌بندی دیگری نیز توسط برخی از عرفا<sup>۱</sup> برای صبر ارائه شده است:

۱. صبر فی الله: بر انجام دادن فرایض یا بر بلا و مصیبت و فقر یا بر نعمت و عافیت است؛

۲. صبر لله: بر دوام تصفیة نیت و اخلاص آن از شائبه‌های نفسانی است؛

۳. صبر علی الله: بر دوام مراقبت و ذکر حق است؛

۴. صبر عن الله: بر دوام محاضره و مکاشفه است که برخی از عرفا آن را سخت‌ترین نوع

صبر خوانده‌اند؛

۵. صبر مع الله: صبری است که عارف هنگام مشاهده جمال حضرت حق، از روی ادب

و فروتنی، دیده‌اش را به زیر می‌افکند.

تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز برای صبر وجود دارد؛ برای نمونه: برخی مانند خواجه عبدالله

انصاری صبر را با برداشتی از روایات، به سه نوع تقسیم کرده‌اند: صبر بر معصیت؛ صبر بر

طاعت؛ صبر در بلا و مصیبت. (همو)

۱. برای نمونه، رک: سراج، الممّع، ص ۵۰؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ص ۲۵۸۰؛ سهروردی، عوارف المعارف، ص ۴۹۲.



برخی از عرفا مراتب صبر را چنین برمی‌شمرند: ابتدا «تصبر» به معنای شکیبایی با سختی؛ سپس «صبر» با آسانی؛ پس از آن، «اصطبار» که صبوری آمیخته با آرامش است. در نهایت، این سیر به مقام «رضا» منتج می‌شود؛ جایی که بنده پس از تحمل مصائب و سختی‌ها، حامل عنایات الهی می‌گردد. (قشیری، ۲۰۰۰: ۱۰۴/۳)

### مراتب صابران

وجود مراتب در صبر، سبب وجود مراتب در صابران نیز می‌شود. بیشتر عرفا<sup>۱</sup> در معرفی مراتب صابران، آنان را به متصبر، صابر و صبار تقسیم کرده‌اند. «متصبر» کسی است که با دشواری بر چیزی صبر نموده، خود را در صبر بر زشتی‌ها به رنج می‌اندازد و گاهی بر سختی‌ها صبر می‌کند و گاهی جزع. «صابر» کسی است که شکایت نمی‌کند، ولی چنین انتظاری از او می‌رود و «صبار» کسی است که اگر تمام بلایا بر او فرود آید، هرگز جزع نمی‌کند. (میرسلیم، ۱۳۷۵: ۷۲۵/۱)

### صبر، مقام یا حال

در عرفان، از تفاوت «حال» و «مقام» سخن گفته‌اند.<sup>۲</sup> بیشتر عرفا مانند غزالی، سراج و عزالدین کاشانی صبر را از مقامات دانسته‌اند؛ ولی ابوطالب مکی صبر را یکی از احوال مقام خوف، و سهروردی آن را درون حقیقت توبه دانسته است. (همو)

عبدالرزاق کاشانی صبر را جامع مقامات، اخلاق، اعمال و احوال خوانده و در بیان دلیل آن گفته است: «زیرا تمام اینها از طریق صبر محقق می‌شوند». (همو) به نظر نگارنده، این دیدگاه کامل‌تر است.

صبر با پاره‌ای از مقامات عرفانی، مانند شکر و رضا و توکل مرتبط است. غالباً شکر بر نعمت و صبر بر بلاست و از نظر محاسبی، بالاترین شکر آن است که بنده هر بلایی بر او نازل می‌شود، نعمت شمارد. در این جا شکر، محتاج به صبر، و صبر قائم به شکر است. برخی از عرفا نیز نهایت صبر را مقام «رضا» دانسته‌اند و برخی صبوری که به رضا می‌انجامد را «صبر جمیل» نامیده‌اند. (همو)

۱. برای نمونه، ر.ک: قشیری، لطایف الاشارات، ص ۱۸۵؛ جیلانی، الغنیة، ص ۶۰۴؛ سهروردی، عوارف، ص ۴۹۳.

۲. برای نمونه، ر.ک: الرسالة القشیریه قشیری و کشف المحجوب هجویری.





## صبر در تفاسیر عرفانی

در بستر این پژوهش، آیتی از قرآن شریف که به مفهوم عمیق «صبر» می‌پردازد، با رهیافت تفاسیر عرفانی مورد تدقیق قرار می‌گیرند. در قرآن کریم واژه «صبر» در مصادیق گوناگون و به صورت امری، مصدری، اسم فاعلی و... به کار رفته است. در برخی آیات نیز از آثار صبر و پاداش‌های آن سخن به میان آمده است.

به نظر می‌رسد که در همه آیات، صبر به معنای لغوی خود به کار رفته و تنها مصادیقش متفاوت است که این مصادیق می‌تواند ظاهری یا باطنی و تأویلی باشد. بدین سبب آثار، کنش فرد و زمینه‌های مادی و معنوی که در اثر صبر ایجاد می‌شود، در آیات متفاوت بیان شده است. در ادامه، با توجه به ظرفیت این مقاله برخی آیات مرتبط با صبر را در تفاسیر عرفانی بررسی می‌کنیم.

### ۱. شکیبایی در بستر گذشت

در این بخش به بررسی آیه‌ای خواهیم پرداخت که ویژگی‌های ارزشمند صبر و گذشت را در زمره والاترین اعمال انسانی برمی‌شمارد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ الْأُمُورِ﴾ (شوری: ۴۳)؛ و قطعاً کسی که شکیبایی

نمود و گذشت کرد، محققاً آن صبر و گذشت، از بهترین کارها و همتی‌الاست.

از منظر تفاسیر عرفانی، مفهوم «صبر» در این آیه، غالباً در معنای اصیل و لغوی آن تبیین شده است. قشیری در اثر گران سنگ خود لطائف الاشارات این صبر را «شکیبایی بر بلا، بی‌آن‌که شکایتی بر لب جاری شود» تعریف می‌کند. (قشیری، ۲۰۰۰: ۳/۳۵۸) مفسران بزرگی مانند: میبیدی، گنابادی و بروسوی نیز در آثار خود، به تفصیل به مصادیق این نوع صبر پرداخته‌اند که شامل مؤلفه‌هایی چون: بردباری، عفو، دوری از کینه‌توزی و واگذاری مطلق امور به مشیت الهی است. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۴۱/۹؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۵۰/۱؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۳۳۷/۸)

در این میان، بروسوی به نکته‌ای ظریف و درخور تأمل اشاره کرده، می‌نویسد: «آن‌جا که صبر مستحب است، باید با دقت به کار گرفته شود تا مبادا عفو و بردباری فرد، موجب گستاخی آزاردهنده و تداوم رفتارهای نادرست او گردد». (حقی بروسوی، بی‌تا: ۳۳۷/۸).

بانو امین نیز در تفسیر نفیس خود، مخزن العرفان بیان می‌دارد: «فرد ستم دیده، در صورتی که

توان احقاق حق خویش را نداشته باشد، می باید صبر و بردباری را شعار خویش سازد؛ مگر در وضعیتی خاص که همانند برخی از پیامبران الهی، به مقابله و جهاد مأمور باشد، که در این حالت، صبر جایز نبوده، حتی ممکن است حرام باشد». (امین، بی تا: ۳۸۴/۱۱)

## ۲. صبر پیامبرگونه

خداوند متعال، رسول خویش را به پایداری و ثبات قدم، هم‌سنگ با پیامبران اولوالعزم دعوت نموده، می‌فرماید:

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ...﴾ (احقاف: ۳۵)؛ پس شکیبایی پیشه کن، همان‌گونه که پیامبران نستوه و صاحب اراده ثابت، صبر کردند و برای [نزل عذاب بر] آنان شتاب مکن.

بیشتر مفسران «صبر» در این آیه را در معنای عمومی و لغوی آن، یعنی بردباری در برابر آزارها و کارشکنی‌های کافران تفسیر کرده‌اند. با این حال، قشیری در نگاهی عمیق‌تر، این صبر را نه فقط بر شداید بیرونی، بلکه «پایداری در برابر حکم خداوند و ثبات قدم، بی‌آن‌که اثری از نارضایتی یا اکراه در وجود فرد هویدا شود» تعریف می‌کند. (قشیری، ۲۰۰۰: ۴۰۲/۳)

## ۳. صبر بر نعمت و نعمت

در این بخش، آیه شریفی را بررسی می‌کنیم که به شیوه‌های گوناگون برخورد انسان با فراز و فرودهای روزگار، از رفاه تا سختی اشاره می‌کند. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا أَذَقْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ \* إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (هود: ۱۱ و ۱۰)؛ پس از محنت و سختی‌ای که به او رسیده بود، اگر نعمتی به او بچشانیم، بی‌درنگ خواهد گفت: 'گرفتاری‌ها از من رخت بریست! بی‌گمان او در آن حال، سرمست از شادی و فخر فروش است؛ مگر آن کسانی که شکیبایی ورزیدند و کارهایی شایسته انجام دادند [که] برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.

گنابادی در تحلیل روشن‌گرانه این آیات، به خصیصه‌ای در انسان اشاره می‌کند که در رویارویی با وفور نعمت، غالباً به دام امیدواری بی‌جا، شادی مفرط و فخرفروشی می‌افتد و در هنگام بروز مشکلات، به سرعت ناامید می‌گردد. ریشه این رفتار، نبود اعتقاد کامل و راسخ به





فضل و کرم بی‌کران الهی در قلب فرد و دل‌بستگی‌اش به نفس نعمت و فراموشی مُنعم است. از این رو پس از زوال نعمت، دیگر اثری از شکرگزاری در او باقی نمی‌ماند؛ چراکه از پروردگار بخشنده غافل گشته، با از دست رفتن نعمت، پیوند او نیز با حقیقت قطع می‌شود. دیدگاهی که تنها به ظاهر نعمت می‌نگرد و از باطن و غایت آن، که رسیدن به مُنعم حقیقی است، بازمی‌ماند، بسیار سطحی است؛ اما در مقابل، شکیبایان به دلیل پایداری و توجه پیوسته به مُنعم، با از دست رفتن نعمت‌ها به وادی یأس و ناسپاسی، که خود حجابی بر معرفت مُنعم است، نمی‌غلتنند. هم‌چنین به سبب ترس از فناپذیری نعمت‌ها، به فخر، مباهات و سرکشی از فرمان حق تن در نمی‌دهند. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳۲۱/۲) میبدی نیز صبر در این آیه را در برابر شداید و ناگواری‌ها تأویل کرده، وعده «اجر کبیر» یعنی بهشت برین را در گرو این صبر، همراه با عمل صالح می‌داند. (میبدی، ۱۳۷۱: ۳۵۷/۴)

قشیری با نگاهی متفاوت، صبر در این آیه را در چارچوب اطاعت از اوامر و دوری از نواهی الهی تحلیل می‌کند و نتیجه آن را بخشش گناهان و پاداش عظیم از جانب پروردگار می‌شمارد. (قشیری، ۲۰۰۰: ۱۲۷/۲) ابن عربی نیز توضیح می‌دهد که ذات انسان، مستعد یأس، ناسپاسی، شادمانی افراطی و فخرفروشی است؛ مگر در کسانی که «صبر مع الله» را طریق خود می‌سازند. این افراد در هر دو وضعیت دشواری و آسایش، و نعمت و نعمت با خداوند می‌مانند و به شایستگی رفتار می‌کنند. این افراد مشمول مغفرت در گناهان یأس، کفران، فرح و فخرفروشی می‌شوند و نیز «اجر کبیر» یا همان «بهشت موعود» به خاطر ثواب اعمال و صفاتشان به آنها عطا خواهد گردید. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲۹۶/۱) بروسوی نیز در تفسیر این آیه، «ایمان راسخ به قضا و قدر الهی» را به عنوان ریشه‌ای‌ترین علت و بستر ظهور این صبر معرفی می‌کند. (حقی بروسوی، بی‌تا: ۱۰۴/۴)

#### ۴. صبر بر هجرت از وطن

خداوند درباره مهاجران صدر اسلام می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (نحل: ۴۲)؛ هجرت کنندگان کسانی هستند که شکیبایی کردند و بر پروردگارشان توکل نموده، کارشان را به او وامی‌گذارند.

بانو امین در تفسیر بدیع خود به این نکته لطیف اشاره نموده که این فضایل ارجمند، شاید برای آن دسته از مهاجرانی باشد که آزار و اذیت کفار را به جان خریدند و تمام امید و

اتکایشان فقط به خداوند بود؛ بی آن که غرضی دیگر همچون ریاست، کسب غنایم یا متاع دنیوی در سر داشته باشند. (امین، بی تا: ۱۹۵/۷)

قشیری با ظرافتی خاص، به تمایز میان صبر و توکل پرداخته، می نویسد: «صبر، ایستادگی در برابر قضا و قدر الهی و توکل، پاسداشت خداوند با امید نیکوست ... صبر به حال انسان گره خورده و توکل به آینده او». (قشیری، ۲۰۰۰: ۳۰۰/۲)

بروسوی نیز در تأویل این آیه، به مصادیق بارز صبر اشاره می کند که شامل جدایی از دیار و خانواده، تحمل مشقات آزار کافران و حتی نثار جان در این راه است. (حقی بروسوی، بی تا: ۳۶/۵)

در سوره عنکبوت بار دیگر به صبر در هجرت تأکید شده است:

﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (عنکبوت: ۵۹)؛ آن عمل کنندگانی که (در برابر آزار ستمگران و سختی هجرت) شکیبایی کرده، بر پروردگارشان توکل کنند و کارشان را به او واگذارند.

مفسران در این آیه نیز از سختی هجرت و صبر در آن سخن گفته اند؛ اما قشیری در تفسیر این آیه نکاتی زیبا بیان کرده است. او از صبر، به «ماندن با خدا بدون اندیشیدن به غیر» و «اعتکاف در وطن وفا و جلوگیری نفوس از خواسته های دنیوی» تعبیر می کند. از دیدگاه او صبر «سرکشیدن جام های بلا بدون خم آوردن به ابرو» است و این صفتی است که «سبب معیت حق تعالی و عزیز شدن نزد او» می شود. (قشیری، ۲۰۰۰: ۱۰۴/۳)

دیگر آیه ای که به صبر بر ترک وطن اشاره نموده، آیه ای از سوره زمر است که خداوند مؤمنان را به ترک وطن برای حفظ ایمانشان دعوت می کند. در این آیه، نکات تفسیری و تأویلی عمیقی نهفته است که به تفصیل به آن می پردازیم. خداوند می فرماید:

﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (زمر: ۱۰)؛ بگو: (خدا می فرماید:) ای بندگان من که ایمان آورده اید، از (عذاب) پروردگارتان بترسید. برای کسانی که در این دنیا کارهای نیکو کردند، نیکویی است، و زمین خدا گشاده است. جز این نیست که اجر و مزد صبرکنندگان کامل و بی حساب و شمار داده می شود.

میبدی در شرح این آیه گفته است که این آیه از صبر کسانی سخن گفته است که در راه حفظ دین خود صبر کردند و دین خود را به خاطر آزارها رها نکردند. (میبدی، ۱۳۷۱: ۳۹۴/۸)





از جمله آزارها در مسیر دین خدا هجرت از دیار برای حفظ ایمان است که مستلزم صبری جمیل است؛ ازاین رو صبر بر این آزارها از طرف خداوند، بی حساب اجر داده می‌شود. میبیدی روایتی در اینجا از امیرمؤمنان علیه السلام نقل نموده تا اهمیت صبر در راه خدا را گوشزد نماید.

برای اهل بلا میزان نصب نمی‌شود و پرونده‌شان گشوده نمی‌شود و باران اجر، بی حساب بر سرشان می‌بارد. (همو)

قشیری در ذیل آیه به تعریف صبر پرداخته، می‌نویسد: «صبر، خویشتن‌داری در ناگواری‌هاست و گفته‌اند که صبر نوشیدن جام‌های تقدیر است، بدون کراهت و ترش‌روی، و گفته‌اند که صبر، استقبال از هدف تیرِ بلا قرارگرفتن است». (قشیری، ۲۰۰۰: ۲۷۳/۳)

ابن عربی با بینشی عمیق‌تر تصریح می‌کند: «کسانی که صبر مع‌الله می‌کنند، یعنی در فنای صفات و افعال و سلوکشان در خدا و با یقین در منازل نفس سیر می‌کنند، اجرشان از بهشت‌های صفات، بی حساب است». (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲۰۰/۲)

## ۵. صبر بر تحقیر

پذیرش تحقیر دیگران، آن هم در جایی که سزاوار نیست و شأن فرد واقعاً برتر از چیزی است که دیگران بخواهند او را تحقیر کنند، کاری بس دشوار است و برای صبر در این وضعیت، قدرت وجودی بالایی لازم است. خداوند به قومی اشاره فرموده که پیوسته به استضعاف کشیده شدند؛ یعنی تحقیر و خوار شدند و شکیبایی پیشه کردند و خداوند جبران‌کننده، به سبب لطفی که به بندگان دارد، کمبودهای آنان را به‌گونه‌ای شایسته جبران فرمود:

﴿وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ

كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ

وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۷)؛ و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شدند،

[بخش‌های] باختر و خاوری سرزمین را - که در آن برکت قرار داده بودیم - به میراث

عطا کردیم، و به پاس آن که صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل

تحقق یافت، و آن چه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم.

تاویل قشیری درباره این آیه چنین است که هر کس بر تحمل خواری برای خدا صبر کند،



خدا تاج شناخت را بر سر او قرار خواهد داد: «مَنْ صَبَرَ عَلَى مُقَاسَاةِ الدَّلِّ فِي اللَّهِ وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ قَلَنْسُوءَ الْعِرْفَانِ» (قشیری، ۲۰۰۰: ۵۶۲/۱) و میبیدی صبر بر ایمان و سختی‌ها را مصداق آیه می‌داند. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۷۲۱/۳)

بانو امین نیز گفته است: «مراد از کلمه در آیه، انجاز وعده فتح و ظفر و نصرت است که پس از صبر آنها بر جفای فرعون و فرعونیان خداوند تمام انواع و اقسام نعمت‌ها را بر آنها تمام گردانید». (امین، بی‌تا: ۲۷۵/۵)

### ۶. صبر راستین در گرو خلوص نیت

شرط تأثیر یا اكمال صبر در کاربرد آن در هر مصداقی، خلوص آن برای خداست؛ چراکه خداوند صابران راستین را این‌گونه می‌ستاید:

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَ يَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۲)؛ و آنانند که برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند، و نماز را برپا داشتند و از آن چه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق نموده، با نیکی، بدی را دور می‌نمایند. برای آن گروه جزا و پاداش نیکوی آن سرای است.

گنابادی در تأویل «وجه رب» در این آیه، آن را «ملکوت ولی امر» می‌داند: «ابتغاء وجه، طلب گشوده شدن قلب است تا ولی امر تجلی یابد و با ملکوت خویش بر سالک متمثل شود. صبر بر این طلب، به معنای روی برنرفتن از ذکر قلبی خفی یا ذکر زبانی جلی است و مستلزم آن است که سالک، بی‌تابی نکند و به سوی پرتگاه‌های سقوط خارج نشود». (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳۸۳/۲)

در مقابل، بانو امین صبر در این آیه را مطلق و شامل تمام اقسام صبر، یعنی صبر در عبادات، صبر بر مصیبات، و صبر بر ترک معاصی می‌داند؛ مشروط بر آن‌که تمام اینها با انگیزه طلب رضای الهی صورت پذیرد. (امین، بی‌تا: ۳۴/۷). این در حالی است که میبیدی، صبر را در طاعت خدا منحصر دانسته است. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۹۰/۵)

قشیری، با تفکیکی ظریف، تفاوت‌های صبر را بر حسب غایت صابر بیان می‌کند و می‌گوید: «عابدان از بیم عقوبت صبر می‌کنند و زاهدان به طمع ثواب؛ اما یاران سرسپرده و مریدان، تنها برای خدا صبر می‌نمایند. شرط این‌گونه صبر، رفع موانع وصول به حق و مداومت بر پرهیز





از آنهاست که شامل ترک شهوات، رهایی از تمام تعلقات و مشغولیت‌ها و صبر بر بیماری و درماندگی و هر آن چیزی می‌شود که سالک را از خدا به خویش مشغول سازد». (قشیری، ۲۰۰۰: ۲۲۷/۲) در تفسیر ابن عربی تأویل این آیه به دو صورت ارائه شده است:

۱. کسانی که در سیروسلوک الهی صبورند و از آن چه بدان انس گرفته‌اند، به سبب رضای حق می‌گذرند؛ با عبادات مالی و بدنی به تزکیه مشغول می‌شوند و فضایل را جایگزین رذایل نفسانی می‌کنند و در قیامت به جایگاه والای خویش بازمی‌گردند.

۲. کسانی که در برابر صفات نفس خویش، به سبب محبت به ذات اقدس الهی، صبر پیشه می‌کنند و «نماز مشاهده» برپا می‌دارند؛ از رزق‌های معنوی، هم چون مقامات، حالات، کشف‌ها و اعمال هم به صورت سرّی (مجرد از هیئت و محبت به آنها) و هم آشکارا (با ترک و بی‌توجهی به آنها) انفاق می‌کنند؛ با «حسنه» حاصل از تجلی صفات الهی، گناه (یعنی صفت نفس) را دفع می‌کنند و بقای پس از فنا نصیبشان خواهد شد. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۳۴۱/۱)

### ۷. صبر در جهاد

«جهاد» در لغت همان کوشش و مبارزه است و صرفاً به معنای کشتن و خون‌ریزی نیست؛ از این رو مصادیق متفاوتی دارد. خداوند در سوره نحل درباره مهاجران مجاهد فرموده است: ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا نُهُوا جَاهِدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نحل: ۱۱۰)؛ پس پروردگارت برای کسانی که از شهر خود دوری گزیدند، پس از آن‌که به شکنجه و آزار گرفتار شدند، و پس از آن جهاد کردند و (در سختی‌ها) شکیبایی نمودند، به تحقیق پروردگارت پس از آن پیشامدها آمرزنده و مهربان است.

گنابادی این شکیبایی در جهاد را اعم از جهاد صوری که همان مبارزه ظاهری است و جهاد معنوی که جهاد در راه ولایت و راه قلب است، تفسیر می‌کند. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۲۲۷/۲)

قشیری نیز از صبر در هنگام عزیمت به جهاد و صبر کسانی سخن می‌گوید که طالب راحتی و آسایش نیستند و امور دشوارتر را برمی‌گزینند. وی آنان را از نزدیکان حق، کرامت‌یافتگان از جانب او و سودبرندگان تجارت با خویش معرفی می‌کند. (قشیری، ۲۰۰۰: ۲۲۴/۲)

در تفسیر ابن عربی مهاجران کسانی هستند که از نفس خود با ترک خواسته‌ها گذشته‌اند و مجاهدان تلاشگرانی‌اند که با ریاضات و سلوک، طریق خدا را می‌پیمایند و بر آن چه نفسشان

می‌پسندد، صبر می‌کنند و نفس را با ثبات در سیر، ناخشنود می‌گردانند. خداوند نیز بعد از این احوال، مغفرت خویش را شامل حالشان کرده، صفات نفسانی آنها را با صفات الهی جایگزین می‌کند. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۳۶۹/۱) نویسنده تفسیر روح البیان صبر در این آیه را صرفاً به شکیبایی بر سختی‌های جهاد منحصر کرده است. (حقی برسوی، بی‌تا: ۸۷/۵)

## ۸. صبر در برابر تیرهای طعن و تمسخر

گاهی صبر نه در برابر مصیبت‌های بزرگ، که در تحمل کلام گزنده و استهزای مردم تجلّی می‌یابد. این نوع از بردباری نشان از استحکام درونی و اتصال عمیق به مبدأ حق دارد. خداوند در سوره صاد به پیامبرش چنین فرمان می‌دهد:

﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص: ۱۷)؛ بر آن چه می‌گویند، شکیبایی کن، و بنده ما داوود را که دارای دست نیرومند (سلطنت و پادشاهی) بود یاد آور. همانا او (با تضرع و زاری) رجوع‌کننده به سوی ما بود.

این آیه در پاسخ به اندوه پیامبر ﷺ از گفتار و استهزای کافران نازل شده است. ابن عربی در تفسیر ﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ می‌گوید: «این بدان معناست که در توحید خویش استقامت ورز و با صبر در فرمان‌برداری از ما، از آنان روی گردان. ثبات نفس خویش را در مقابل آزار آنان از دست مده؛ چراکه تو قائم به خدا و موجود به حقی؛ پس هیچ حرکتی جز با او مکن». (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱۸۶/۲)

بروسوی از قول شاه‌شجاع کرمانی (درگذشته ۲۸۸ق) سه رکن برای صبر برمی‌شمرد: ترک شکایت (از درد و بلاها به غیرخدا)؛ رضایت واقعی (به قضا و قدر الهی)؛ پذیرش بی‌چون‌وچرای قضای الهی با طیب خاطر. وی هم چنین به نکته‌ای لطیف از روزبهان بقلی شیرازی (۵۵۲-۶۰۶ق) اشاره می‌کند که گفته است: «خاطر نبی، به دلیل کثرت ورود نور حق در آن، از نور عرش و کرسی نیز لطیف‌تر است، و به همین دلیل گفتار منکران و تمسخر ایشان را تاب نمی‌آورد؛ نه آن‌که در مقام عبودیت صابر نباشد». (حقی برسوی، بی‌تا: ۱۲/۸).

خداوند در سوره مؤمنون به پاداش عظیم صابرنانی که در برابر تمسخر و ریشخند کافران استقامت ورزیدند، اشاره نموده، می‌فرماید:

﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۱۱)؛ البته امروز ایشان (آن بندگانم) را به سبب شکیبایی‌شان (بر استهزا و ریشخند و اذیت و آزار شما) جزا و





پاداش می‌دهم؛ زیرا آنان همان رستگارانند.

در این آیه، صبر به معنای بردباری و تحملی خاص در موقعیتی ویژه است. بانو امین در تفسیر آن می‌نویسد: «مؤمنان علاوه بر ایمان و تقوایی که داشتند، در اثر صبر بر جفای کفار و استهزای آنان، فیوضات دیگری نصیبشان خواهد گردید». (امین، بی تا: ۷۰/۹)

## ۹. جهاد اکبر؛ صبر در برابر فریب نفس و وسوسه شیطان

نبرد درونی با نفس اماره و وسوسه‌های شیاطین، جهادی است که پایداری در آن، انسان را به والاترین مراتب کمال می‌رساند. این صبر، بنیان سیر و سلوک الی الله است. خداوند در سوره فرقان می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا﴾ (فرقان: ۷۵)؛ آن گروه (بندگان نیکوکار خدا) به سبب شکیبایی‌شان به خانه‌ای (جایگاهی رفیع) پاداش داده شده، به تحیت و درود ملاقات می‌شوند.

بانو امین این آیه را چنین تبیین کرده است: «این مقامات بلند که از قرب معنوی آنها خبر می‌دهد، به پاداش صبیری است که در حیات دنیا در مقابل خدعه نفس و طبیعت و وسوسه شیاطین جئی و انسی نموده‌اند و از طرف حق تعالی به آنها تحیت و سلامت دائمی عطا می‌گردد». (همو: ۲۲۱)

قشیری در این زمینه از صبر در منهیات (نواهی الهی) و احکام (اوامر الهی) سخن می‌گوید (قشیری، ۲۰۰۰: ۶۵۳/۲) میدی نیز از صبر بر طاعات و اوامر الهی و هم چنین فقر و بیچارگی سخن به میان آورده است. (میدی، ۱۳۷۱: ۷/۷۲) و گنابادی مصداق صبر را در بلاها و گرفتاری‌ها و طاعات معرفی می‌کند. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳/۱۵۰) در تفسیر ابن عربی، این صبر به عنوان «صبر مع الله و فی الله» معرفی شده است. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲/۹۲)

بروسوی نیز بیان می‌کند که در این جا صبر اطلاق دارد و شامل تمام مصادیق آن می‌شود و منظور از اعطای غرفه نیز مقام عندیت است که ابتدا به خاطر صبر بر طاعات و ترک منهیات و در مرحله بعد، با تبدیل اخلاق ذمیمه به حمیده و در پایان، با فنای وجود انسانی در وجود ربانی حاصل می‌شود. وی در تعریفی جامع می‌گوید: «صبر، ترک شکایت از درد بلاها به غیر خداست». (حقی برسوی، بی تا: ۲۵۴/۶)



## ۱۰. شکیبایی در پرده‌داری حقایق

گاهی حفظ حقیقت و پوشاندن آن از نااهلان یا پرهیز از خودنمایی، خود نیازمند صبری سترگ است. این نوع صبر، نشان از بصیرت و حکمت سالک دارد. رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «شدیدترین مبتلایان به بلا انبیا هستند و پس از آنان هر کس که از نظر دینی به آنان نزدیک‌تر است». (کلینی، بی تا: ۲۵۲/۲) روزبهان بقلی می‌گوید: «خداوند عارفان را به چهار خصلت وصف نموده است: ایمان، تقوا، احسان و صبر. و صبر آنان استقامتشان در مواظبت حالات و کتمان کشف و شهودهاست و حقیقت صبر آن است که بعد از اتصاف به جاودانگی، آن را ادعا نکنند!». (حقی برسوی، بی تا: ۸۶/۸)

خداوند در سوره قصص از اعطای اجری دوچندان به برخی از صابران سخن گفته، می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (قصص: ۵۴)؛ آن گروه اجر و مزدشان دو بار داده می‌شود به سبب آن چه شکیبایی کردند، و بدی را با خوبی دفع کردند، و از آن چه به ایشان روزی داده‌ایم می‌بخشند.

گنابادی در تفسیر این آیه نوشته است: «مؤمن آن‌گاه که ایمان می‌آورد، دارای یک اجر و پاداش است و آن‌گاه که نفس خویش را از افشای آن نگه می‌دارد و ایمانش را کتمان می‌کند، اجر و پاداشی دیگر به او داده می‌شود. البته این مطلب در صورتی است که افشا کردن برای او یا دوست یا برادرانش قبیح باشد، یا سبب شهرت و ریا گردد». (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۹۳/۳)

میبیدی مصداق صبر در این آیه را صبر بر سفیه خواندن آنان توسط یهودیان می‌داند. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۲۵/۷) قشیری در این آیه دیدگاهی متفاوت دارد و صبر بر اوامر و نواهی الهی در حال و آینده را مصداق صبری می‌داند که اجرش دو برابر است: یک بار در آخرت با ثواب و یک بار در دنیا با قرب به خدا. (قشیری، ۲۰۰۰: ۷۳/۳)

## ۱۱. صبر بر گرسنگی و ایثار در اوج بندگی

یکی از ظریف‌ترین جلوه‌های صبر، تحمل گرسنگی و ایثار به دیگران است که پاداشی عظیم در پی دارد و نشان از مرتبه‌ای والا از بندگی و تقرب به حق است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾ (انسان: ۱۲)؛ و به سبب شکیبایی کردنشان (بر گرسنگی و برگزیدن نیازمندان بر خودشان) بهشت و جامه ابریشمی را جزا و سزایشان دهد.





میبیدی در تفسیر این آیه، حدیثی از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: «الصبر اربعة: اولها الصبر عند الصدقة الاولى، والصبر على اداء الفريضة، والصبر على اجتناب محارم الله، والصبر على المصائب» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۲۲/۱۰)؛ صبر چهار گونه است: نخستین آن، صبر در هنگام اولین صدقه، و صبر بر ادای واجبات، و صبر بر اجتناب از محارم الهی، و صبر بر مصائب. ابن عربی، پاداش صبر از لذات نفسانی و زینت‌های شیطانی را بهشت ذات الهی و پوشاندن با لباس‌های حریر صفات نورانی و لطیف الهی تأویل کرده است. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۳۹۴/۲) این تأویل عمق معنوی صبر را به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌تواند به تجلی صفات الهی در وجود انسان بینجامد.

## ۱۲. استمداد از صبر و نماز، راهی به سوی معیت الهی

در مسیر پرفراز و نشیب زندگی و سلوک، انسان پیوسته نیازمند یاری و مدد الهی است. قرآن کریم دو باب قدرتمند «صبر» و «نماز» را برای این استمداد معرفی می‌کند. خداوند در سوره بقره به مؤمنان می‌فرماید که از صبر و نماز یاری بجوید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳)؛ ای اهل ایمان، از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی‌ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهید، زیرا خدا با صابران است.

نویسنده تفسیر بیان السعادة درباره چستی صبر در این آیه دو دیدگاه ارائه می‌کند:

۱. صبر به همان معنای لغوی یعنی تحمل و بردباری است؛

۲. صبر یعنی حضرت محمد ﷺ از جهت نبوتشان و نماز که اصل کردارهای شایسته است، و حضرت علی ؑ از جهت ولایتشان. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۹۱/۱)

این تفسیر پیوند عمیق میان صبر و ولایت الهی را به تصویر می‌کشد. گنابادی در ادامه توضیح می‌دهد که همراه بودن خداوند با مؤمنان، همراهی با رحمت مخصوصی است که به خواص مؤمنان اختصاص دارد. البته مقصود، همراهی رحمانی قیومی نیست که برای هر موجودی حاصل است، و نیز همراهی رحیمی عمومی نیست که برای هر مؤمن پیرو ولی امر خودش یا هر مسلمانی که با پیامبر زمانش بیعت کرده باشد، تحقق پذیرد؛ بلکه انسان هر قدر به خدا نزدیک‌تر باشد، قرب او به خدا افزون‌تر می‌گردد و از سوی خدا با او معیتی غیر از

معیت قبلی پدید می‌آید. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «کسی که با اکراه و ناراحتی صبر کند و به خلق شکایت نبرد و با پاره شدن پرده‌اش بی‌تابی نکند، از عوام است و نصیب و بهره‌اش، مژده بهشت است که خداوند فرموده است: ﴿وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵) و کسی که بلا یا را با خوشحالی و خوشامدگویی استقبال نماید و با آرامش و سنگینی صبر نماید، از خواص است و بهره‌اش همراهی خداست که خدا فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۳) صبر از بزرگ‌ترین ملکات حمیده و پیشرو قافله رهروان به سوی کعبه مقصود است و صلاة هم یکی از مصادیق صبر به شمار می‌رود». (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۹۱/۱) این بیان، تفاوت میان صبر عام و خاص را روشن می‌سازد.

بانو امین نیز معتقد است: «معیتی که به صابران اختصاص داده شده، غیر از معیت قیومی حق است که با تمام موجودات است، و شاید مقصود از معیت در این جایاری خدا باشد و این‌که به پاداش صبر، نفس و عقل و دل آنها را قوی می‌گرداند و همیشه با ایشان همراه است». (امین، بی‌تا: ۱۳۰/۲)

میبیدی نتیجه صبر لغوی را چنین بیان می‌کند: «در نماز شفاست و در شکیبایی فرج. مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ، وَ فِي الصَّلَاةِ شِفَاءٌ»؛ صبر کلید گشایش است و در نماز شفاست». (میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۹۰/۵)

قشیری نیز تأکید می‌کند که معنای یاری جستن از نماز این است که فرد با صبر خود بر احکام الهی استحقاق نماز خدا را پیدا کند تا به مقام معیت الهی نائل شود. (قشیری، ۲۰۰۰: ۱۳۹/۱) ابن عربی آیه را چنین تأویل نموده است: «ای کسانی که به ایمان عیانی من ایمان آورده‌اید، از صبر و نماز، یعنی شهود حقیقی من در هنگام غلبه و هجوم تجلیات عظمت و کبریایی من یاری بجوید. خداوند با صابرانی است که برای تجلیات انوار او گردن نهاده‌اند». (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۶۰/۱)

بروسوی نیز صبر را در مطلق امور و به معنای لغوی پذیرفته و نکاتی در این آیه بیان می‌کند و می‌گوید: «خداوند در این آیه، تنها صبر و نماز را بیان فرمود؛ چون صبر شدیدترین اعمال باطنی بر بدن و نماز شدیدترین اعمال ظاهری بر بدن است؛ چراکه ارکان، سنن، آداب، حضور، خضوع و چیزهایی دیگر دارد که حفظ آنها جز با توفیق الهی ممکن نیست و معنای معیت خداوند نیز اجابت دعا و یاری و همراهی ولایت دائمی است. صبر، تحمل سختی‌ها بدون





بی‌تابی و اضطراب و دست‌انویزی به انجام هر کار خیری و آغاز هر فضلی است؛ چون اولین مرحله توبه، صبر بر معصیت‌ها و اولین مرحله زهد، صبر بر مباح‌هاست و اولین مرحله اراده، صبر و طلب ترک غیرخداست. بدین خاطر رسول خدا ﷺ فرمودند: «صبر سرایمان است» و فرمودند: «همه خیر، صبر است». هر کس به زینت صبر آراسته شود، انجام واجبات و ترک محرمات برای او آسان می‌گردد». (حقی برسوی، بی‌تا: ۲۶۱/۱)

### ۱۳. آزمون‌های الهی، مژده‌ای برای صابران حقیقی

دنیا میدان آزمایش است و خداوند برای رشد انسان، او را با چالش‌هایی می‌آزماید. این امتحانات نه برای آگاهی خداوند، که برای آشکار شدن گوهر وجودی انسان و ارتقای اوست. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵)؛ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده‌ده شکیبایان را.

گنابادی حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که فرموده‌اند: «خداوند بندگانش را به هنگام اعمال بد و زشت، به نقص میوه‌ها و حبس برکات و بستن خزینه‌های خیرات مبتلا می‌نماید، تا این‌که توبه‌کننده‌ای توبه کند و دست‌کشنده‌ای، از گناه دست بکشد و یادآورنده‌ای یادآور شود و نهی‌شونده‌ای از عملش بازایستد». (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۵۶/۱)

امام صادق علیه السلام نیز در تأویلی این بلاها را از علامت‌های قیام قائم علیه السلام معرفی نموده، فرموده‌اند: «خداوند مردم را به چیزی از ترس از پادشاهان بنی‌امیه در آخر سلطنتشان، و به گرسنگی با گرانی قیمت‌هایشان، و نقص اموال به سبب فاسدشدن تجارت‌ها و اندک بودن نفع، و نقص نفوس به وسیله مرگ سریع، و نقص میوه‌ها به سبب اندک بودن محصول آن‌چه می‌کارند، مبتلا می‌کند. در این هنگام، صابران را به تعجیل خروج قائم علیه السلام مژده ده». (همو) این نگاه، بُعد عمیق‌تری به درک امتحانات الهی و ارتباط آن با زمان و رخدادهای عالم می‌بخشد.

بانو امین در تفسیر این آیه بر این باور است که هر کسی لایق این همه کرامت و فضیلت نیست و این بشارت مخصوص کسانی است که صبر آنها از روی مبانی و اصل معتبر است؛ یعنی وقتی به مصیبت و ناملایمتی برمی‌خورند، فوراً روی دل آنها به سوی پروردگارشان متوجه می‌گردد و می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)؛ زیرا با علم‌الیقین یا عین‌الیقین



فهمیده‌اند که هرچه هست، ملک خدا و در اختیار اوست و آن چه در این عالم عنایت نموده، از جان و مال و اولاد و... امانت است. نیز می‌دانند که آن چه به انسان عنایت نموده، از روی حکمت و صلاح‌اندیشی بوده و وقتی هم از وی می‌گیرد، از روی بخل نیست؛ بلکه از روی خیر است و نعمت را از او می‌گیرد که بهتر از آن را به وی عطا کند. (امین، بی‌تا: ۱۴۴/۲)

قشیری نیز این بشارت را مخصوص صابرائی می‌داند که هیچ اعتراضی به تقدیر خویش ندارند و تسلیم محض اراده‌ی حق هستند. (قشیری، ۲۰۰۰: ۱۴۰/۱)

عارف بزرگ، ابن عربی به تأویل باطنی این ابتلائات پرداخته، چنین بیان می‌کند: «منظور از «خوف» در این آیه، ترسی است که سبب شکستگی نفس است و «جوع» گرسنگی‌ای که سبب لاغری جسم و ضعف قوا و رفع حجاب هواپرستی و مانع ورود شیطان به قلب است. منظور از «نقص اموال» اموالی است که در راه شهوات و تقویت نفس و افزونی طغیان آن صرف شود و مراد از «نفس» نفسی است که بر قلب حاکم شده باشد و مستقل عمل کند، یا منظور، دوستان و نزدیکانی‌اند که مونس و حامی آنانند تا به سمت خدا منقطع شوند. منظور از «ثمرات»، بهره‌مندی‌های نفسانی است تا با بریدن از آنها باطنشان صفا یابد و از مکاشفات و معارف قلبی و مشاهدات روحی بهره‌مند شوند... و منظور از صابران در «وَلْيَسِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵) خویشتن‌داران از مألوفاتشان به سبب لذت محبت خدا و نیروی اراده‌ی اوست؛ همان کسانی که هرگاه مصیبتی از تصرفات خدا بر آنان وارد می‌شود، پیوسته آثار قدرت او را در آن می‌بینند؛ بلکه انوار تجلیات صفات او را می‌بینند و می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ» یعنی تسلیمند و یقین دارند که ملک خدا هستند و خدا در آنها تصرف کرده است، و می‌گویند: «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) یعنی در خدا فانی می‌شوند. «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ» (بقره: ۱۵۷) با وجودی موهوب به آنها بعد از فنای موصوف به صفات خدا که به انوار او منور است و رحمت و نور و هدایتی که خلق با آن به سوی خدا هدایت می‌شوند.» (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۶۱/۱)

این نگاه عمیق، صبر را نه فقط تحمل سختی‌ها، بلکه پلی برای رسیدن به مقام فنای فی‌الله و بقای بالله می‌داند.

#### ۱۴. شکیبایی فردی تا پیوند با حقیقت

صبر، تنها یک مفهوم نیست؛ بلکه طیفی از مراتب و جلوه‌هاست که هر یک، انسان را به





مرتبه ای والاتر از کمال رهنمون می‌شود. قرآن کریم در آیه‌ای پرمعنا، از درجات مختلف شکیبایی چنین پرده‌برداری می‌نماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰)؛

ای اهل ایمان، صبر کنید و ثبات قدم داشته، شکیبا باشید و با (ائمه و پیشوایان دین) پیوستگی خود را محکم کنید و از خدا بترسید تا رستگار شوید.

در این آیه، خداوند سه فرمان کلیدی برای رسیدن به رستگاری صادر فرموده است. گنابادی در تبیین این آیه می‌گوید: «اصبروا» به معنای حبس نفس و منع آن از چیزهایی است که اقتضا می‌کند. از آن جا که مقتضیات نفس متفاوت است، صبر نیز اقسامی دارد و طبق اخبار، صبر سه قسم است: صبر بر معصیت، صبر بر طاعت و صبر بر مصیبت... آن‌گاه می‌فرماید: «وَ صَابِرُوا». صابر از «مصابره» است به معنای وادار کردن یکدیگر بر صبر بر مصیبت‌ها یا صبر بر طاعت‌ها یا صبر از معاصی و گناهان، و ممکن است به معنی غلبه کردن در صبر نیز باشد؛ یعنی با مقاومت یا صبر بر فتنه یا تقیه بر دشمن غلبه کنید تا بر آنها پیروز شوید. به تمام این معانی در اخبار اهل بیت علیهم‌السلام اشاره شده است. سومین فرمان «وَ رَابِطُوا» است. رابطه در ظاهر به معنای ملازم بودن در سرزمین دشمن است، یا به معنای این است که هر یک از دو گروه اسبانشان را در سر حدّ زمین خودشان ببندند؛ اما در تفسیر باطنی و عرفانی، معانی عمیق‌تری را شامل می‌شود و ممکن است مقصود، اتّصال به امام باشد با بیعت خاصّ ولایی، یا به تبعیت و انقیاد در احکام، یا مقصود اتّصال به ملکوت امام است یا مقصود انتظار نماز بعد از نماز است؛ چنان‌که در بسیاری از اخبار به همه این معانی اشاره شده است.

در بسیاری از اخبار، رابطه به معنای «رابطه با امام» یعنی ملازم امام بودن تفسیر شده است. صوفیان نیز به این آیه استشهاد کرده‌اند که سالک باید در ریاضات و ذکر و فکری که از صاحب اجازه در شریعت یا طریقت اخذ شده، مجاهده کند؛ به نحوی که آینه قلبش از غبار کثرات صاف گردد، و در آن صورت شیخ او تجلّی کند و از او غایب نشود. این اتصال و تجلّی را رابطه و حضور و فکر و آن متجلّی را سکینه می‌نامند و می‌گویند: «سالک مادام که به ملکوت شیخ خود متّصل نشده باشد، سالک به طریق است، نه سالک به سوی خدا». قبل از این اتصال، عبادت او با سختی و زحمت و اکراه همراه است؛ ولی بعد از وصول، عبادت با لذّت و راحتی و از روی میل انجام می‌شود. با تحقّق این اتصال، همراهی با صادقان که خدا به آن در ﴿كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ﴾ (توبه: ۱۱۹) امر کرده، صدق می‌کند، و این همان وسیله‌ای



است که خداوند به طلب آن امر کرده، فرموده است: ﴿وَاتَّبِعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده: ۳۵) و در همین جا و به سبب همین معناست که زمین به غیر از این زمین تبدیل می‌شود و با نور پروردگارش روشن می‌شود و گنج‌هایش را بیرون می‌آورد و اخبارش را بیان می‌کند و اسرارش را آشکار می‌سازد. از سید ساجدان علیه السلام روایت شده است که این آیه درباره عباس (عموی پیغمبر) و ما نازل شده است؛ ولی رابطه‌ای که خداوند ما را به آن امر کرد، محقق نشد؛ ولی در آینده در نسل ما و او مرابط (رابط بین خدا و خلق) به وجود خواهد آمد. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳۲۶/۱)

این تفسیر، ارتباط عمیق مرابطه با مسئله ولایت و انتظار را نشان می‌دهد. در دیدگاه بانو امین، «اضْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» هر سه امر به صبر است که خداوند آن را به سه جمله مؤکد گردانده: اول به‌طور اطلاق فرموده: «اضْبِرُوا» در تمام سختی‌ها و ناراحتی‌ها و دو جمله بعد «صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» مؤکد «اضْبِرُوا» یا تخصیص پس از تعمیم است. ایشان می‌افزاید: «بعضی مفسران گفته‌اند که «صَابِرُوا» مقصود، صبر بر جهاد با دشمنان دین است و بعضی گفته‌اند هم با دشمنان دین و هم با هواهای نفسانی و شیاطین. برخی مفسران گفته‌اند مراد از «اضْبِرُوا» صبرهای فردی و «صَابِرُوا» صبرهای اجتماعی است، و «رابطوا» از نظر معنا اعم از معنای مصابره است و به‌طور کلی مراد این است که لازم است انسان چه در حال آسایش و راحتی و چه در بلا و سختی قدرت‌های معنوی خود را روی هم ریخته و تمام شئون حیاتی خویش را در پرتو نوعی همکاری اجتماعی به سامان برساند، و چون این همکاری اجتماعی به منظور نیل به سعادت واقعی دنیا و آخرت است، پس از کلمه «رابطوا» بلافاصله جمله ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ آورده شده و بدیهی است که سعادت واقعی و کامل جز در پرتو همکاری اجتماعی میسر نیست؛ چه آن‌که در غیر این صورت اگر هم سعادت به دست آید، کامل و همه‌جانبه نخواهد بود». (امین، بی‌تا: ۳۷۸/۳)

این تحلیل، به ابعاد اجتماعی و تعاون‌گرایانه صبر و مرابطه اشاره می‌کند. میبیدی نیز بیان می‌کند که در «اصبروا»، منظور صبر بر انجام احکام شرع، و فرمان‌های حق و تحمل انواع بلاست که به اراده و تقدیر حق به بنده می‌رسد و حقیقت آن، ترک شکایت و صدق رضا و قبول قضا به جان و دل است. رسول خدا صلی الله علیه و آله این حدیث قدسی را نقل کرده‌اند: «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَ يَشْكُرْ نِعْمَائِي وَ يَصْبِرْ عَلَيَّ بَلَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَايَ غَيْرِي» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲۵/۸۸)؛ کسی که به قضای من خشنود نیست و نعمت‌های مرا سپاس نگذارد و بر بالای من شکایا نباشد، پروردگاری جز من طلب کند.





«و صابِروا» در قتال مشرکان و کوشیدن در دین حق و نصرت مسلمانان «و رابطوا» یعنی لشکر مسلمانان در مرزهای کفار با اسب آماده باشند تا مسلمانان را از آزار کفار بازدارند و دین اسلام را یاری دهند. (میبدی، ۱۳۷۱: ۳۹۴/۲)

قشیری نیز گفته است: «منظور از صبر، صبر فردی و مصابره با دشمن است و رباط نوعی مخصوص از صبر است ... صبر در «إصبروا» بر طاعات و منهیات است و تصابر در ترک هوی و شهوات و قطع آرزوها و وابستگی‌هاست و «رابطوا» در استقامت در همراهی در همه حالات و اوقات ... صبرکنید با نفس‌هایتان و صابروا با قلب‌هایتان و رباطوا با سر‌هایتان. برخی دیگر گفته‌اند: «إصبروا» بر توجه به ثواب، و «صابروا» بر درخواست قرب و «رابطوا» در هنگام نزدیکی بر مشاهده جمال و عزت حق اشاره دارد ... صبر، تلخ است اگر عبد، خدا را غایب بداند و لذت بخش است اگر خدا را حاضر ببیند». (قشیری، ۲۰۰۰: ۳۰۸/۱)

ابن عربی نیز گفته است: «إصبروا در مقام نفس است با مجاهده و «صابروا» در مقام قلب است هنگام مکاشفه غلبه تجلیات صفات جلال، و «رابطوا» در مقام روح است در حال مشاهده، تا بر فرد، سستی و غفلت و غیبت با تشتت‌ها غلبه نکند». (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱۳۷/۱)

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عمیق مفهوم «صبر» از منظر تفاسیر عرفانی و تطبیق و تبیین تمایزات رویکردهای آن تفاسیر با یکدیگر نشان داد که صبر در عرفان اسلامی، تنها یک فضیلت اخلاقی یا تحمل بیرونی مشقات نیست؛ بلکه «مقامی» است که سالک در مسیر قرب الهی آن را کسب می‌کند و درجات و مراتبی متعالی دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مفسران عرفانی، با رویکردی باطنی و تأویلی، آیات قرآن کریم را نه تنها از جنبه‌های ظاهری، بلکه از دیدگاه پیامدهای سلوکی و تأثیرات روحی صبر بر سالک تبیین کرده‌اند. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر چگونگی تبیین صبر، مشخص شد که عرفا برای صبر اقسام و مراتبی قائل‌اند که از صبر عام تا صبر خاص‌الخاص را در بر می‌گیرد؛ جایی که سالک نه تنها بر بلا و مصیبت، بلکه بر نعمت و وصال نیز صبر می‌کند.

در تحلیل مصادیق قرآنی صبر، این پژوهش به روشنی نشان داد که مفسران عرفانی با نظر به باطن آیات، مصادیق گوناگونی از صبر را استخراج و تبیین کرده‌اند که فراتر از تفسیرهای



رایج است. بیان این مصادیق، ازسویی ابعاد عملی و کاربردی صبر را روشن می‌سازد و از سویی عمق نگاه عرفانی به پدیده‌ها و کنش‌های انسانی را نیز بازتاب می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین افزوده‌های این تحقیق به دانش موجود، بیان وجود «تمایز رویکرد عرفانی» با دیگر رویکردهاست؛ یعنی درحالی‌که تفاسیر کلامی و فقهی، بیشتر بر احکام و قواعد بیرونی و تفاسیر اخلاقی بر جنبه‌های عام منش انسانی تأکید دارند، تفاسیر عرفانی صبر را در چهارچوب «سیر و سلوک» و «مقامات و احوال» سالک بررسی می‌کنند و آن را ابزاری برای تهذیب نفس و رسیدن به درجات والاتر قرب الهی می‌دانند. عرفا صبر را نه فقط یک فعل، بلکه «حالت»ی درونی و تحوّل‌ی روحی می‌شمارند که با مراقبه و مجاهده حاصل می‌شود.

در مجموع، این پژوهش با ارائه یک دسته‌بندی موضوعی از مفهوم صبر در تفاسیر عرفانی، به غنای ادبیات پژوهشی در حوزه عرفان اسلامی و تفسیر قرآن کمک شایانی می‌کند. امید است یافته‌های این تحقیق، ضمن روشن ساختن ابعاد پنهان و عمیق‌تر صبر، راهنمای سالکان طریق حق و پژوهش‌گران معارف الهی باشد.

## منابع

\* قرآن کریم.

۱. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، تفسیر ابن عربی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲. امین، نصرت بیگم (بی‌تا)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نشر اکرام، اصفهان.
۳. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت.
۴. خانی، رضا و ریاضی حشمت‌الله (۱۳۷۲ش)، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، دارالهجره، قم.
۷. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م)، لطایف الاشارات، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره.
۸. گنابادی، سلطان علی شاه (۱۴۰۸ق)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، مؤسسة الأعلمي، بیروت.



٩. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٤ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، مؤسسة الوفاء، بيروت.
١٠. میبدي، احمد بن محمد (١٣٧١ش)، كشف الاسرار و عدة الايثار، اميركبير، تهران.
١١. ميرسليم، سيد مصطفی (١٣٧٥ش)، دانشنامه جهان اسلام، بنياد دائرة المعارف، تهران.

